

[اطلاعات شخصی افراد حذف شده است]

[برای وضوح بیشتر فقط مطالب و اخبار مربوط به افراد و جامعه بهائی تایپ شده است]

[روزنامه: پیام آزادی]

[تاریخ: ۳۰ دیماه ۱۳۶۰]

[شماره: ۲۵۴۰]

صفحه: سوم

باز هم بهائی کشی

بعد از ظهر روز شنبه ۱۹ دیماه در حدود دو هزار انسان آزاده و دلسوخته در "پاسیفیک بال روم" هتل هیلتون لس آنجلس گرد آمده و مرگ انسانیت در ایران را به عزا نشسته بودند.

اکثر آنها زنان و مردان و نوجوانان ایرانی بودند که ظلمی بزرگ بر آنها رفته و از صدوسی سال قبل تا کنون که یکتاپرستی را از راه تعالیم "بهاءالله" بجا میآورند مورد شکنجه و آزار و قتل و زیان بوده اند و اینک پس از سقوط ایران، تسلط مشتی ماجراجو، جنایتکار، خونخوار و بی فرهنگ جان ارزشمند آنها که اکثرا از نظر تحصیلات و دانش پژوهی گل سرسبد و نمونه هستند گرفته می شود و راهی عدم میگردند.

این فرومایگان و کژاندیشانی که دست باین جنایات سفاکانه میزنند نه خدایی دارند و نه صفتی بنام وجدان در وجودشان ریشه دارد که بآنها نهیب زند که تا کجا و تا کی میخواهند به این خونریزی و خون آشامی ادامه دهند و نتیجه اش چه خواهد بود؟ اگر فکر می کنند که ممکن است آنها دست از اعتقاد و ایمان خود بشویند (مثل آخوندها که هر لحظه به رنگی در می آیند) که امری است محال و این را به کرات تجربه کرده و دیده اند، آنها که مؤمن و معتقد و متعهد هستند مرگ هم خلی در اراده شان وارد نمی آورد و اگر هم قصد دارند برای انهدام این مذهب همه بهائیان ایران را بکشند علاوه بر آنکه محال است، راهی به خطا می روند زیرا به طوری که در نشریات مختلف دیده ایم در پنج قاره جهان میلیون ها زرد و سرخ و سفید و سیاه به بهائیت گرویده اند که تعدادی از آنها را در مجلس یادبود کشته شدگان اخیر دیدیم که با نمایندگان رسانه های جمعی آمریکا که همگی حضور داشتند و این فریاد تظلم ایرانی را به گوش همه مردم جهان خوانند رساند، مصاحبه کرده و می گفتند که قبله آمالشان زیارت خاک پاک ایران است که "باب" در آن ظهور کرده و بشارت آئینی نو را به پیروانش داده است.

حوادث و وقایع یکصد و سی و هفت ساله اخیر ایران نشان می دهد که در زمانهای مختلف و از دوران شاهان قاجار که همه ارکان دولت و حکومت زیر نظر آخوندها می گشت تاکنون، هر چه بیشتر بهائیان تحت فشار قرار گرفته اند و به آنها ظلم و جور رفته، معتقدتر شده و عده بیشماری هم تحت تأثیر تسلیم محض و از جان گذشتگی آنان در راه معتقدات شان به ایشان پیوسته اند، کما اینکه با تمام فشاری که آخوندها بر بهائیان وارد آورده اند که دین و آیین خویش را انکار و از مرگ برهند، هیچکدام حاضر نشدند و از پیر و جوان، عدم را به بقای تسلیم و سرافکندگی رجحان دادند. قاتلان اسلامی و آخوندگان خونخوار این بار ظرف ۸ روز از ۱۵ تن از برجسته ترین افراد ایرانی جان گرفتند که همه آنها دکتر و مهندس و مغزهای متفکر و فرهیخته ای بودند، که در شوره زار جهالت آخوندی میزیستند تا ایران بهتری بسازند اینک برای آشنایی با طرز تفکر و اعتقاد آن جانبختگان قسمتی از نامه "ژینوس محمودی" را که چند روز قبل از مرگ بفرزندانش نوشته و در مجلس یادبود خوانده شد نقل میکنیم:

بچه‌های من مانا و مونا و تینی من آه چقدر وقت است برای‌تان کاغذ نوشته‌ام، ضمن اینکه از شما شرمندهام، خوب افتخار میکنم که وجود ناچیز و وقت بی ارزش من که آنوقتها قیمتش با پول تعیین میشد الان صرف اموری میشود که هرگز ارزش آن برابری با پول و طلا و مادیات ندارد، چقدر آرزو داشتیم که میتوانستیم پهلوی شما ها بنشینیم و از این اوضاع برایتان تعریف کنم. خوب بچه‌های من ایام پر ارزشی را ما میگذرانیم، برایمان حالهای عجیبی می‌آورد، این زندگی عجیب که بهیچ لحظه آن مطمئن نیستی که چگونه ادامه پیدا کند، آن لحظاتی که از خانه بیرون میروی باید خیلی مراقب باشی زیرا معلوم نیست برایت چه برنامه‌ای در پیش است، آن ساعت‌های طولانی که با دوستان می‌نشینی و نمی‌دانی که بانتها خواهد رسید یا نه، ولی بکلی دنیا را فراموش میکنی، آخر هفته گذشته ۲/۵ ساعت با مسجونین همدان بودم در همان اطاقشان، اصلاً آنچه که احساس نمیکنی وجود سجن است. بنظرم می‌آید که بهترین و باشکوه‌ترین مهمانی‌ها را میگذرانم، در قیافه آرام و خندان آنها رضایت و تسلیم در برابر اراده و مشیت او موج میزند، باور نمی‌کنی که اینها در بند هستند، اطاقشان مرتب است و تمیز همه رختخوابها را بسته‌اند و بدیوار تکیه داده‌اند و پتوها را روی زمین گسترده‌اند، شیرینی میدهند، چای میدهند کارهای دستی را در نهایت هنر و ظرافت انجام داده‌اند باور نمی‌کنی اینهمه هنر و زیبایی برای آنهاست که وقتی در خارج بودند فرصت سر خاراندن نداشتند و حالا نیز در انتظار سرنوشتی نامعلوم با مرگ نشسته‌اند چقدر عظمت روح و استواری عقیده میخواد که باینکارها پردازند. و من خودم را در برابر عظمت اینها ناچیز احساس میکنم ثمره وجود اینها است که اینهمه تغییرات در دنیا بوجود آورده، من و امثال من که در بیرون هستیم که هنر نکرده‌ایم هنر مال اینها است، مال آنها است که هنوز ندیده‌ایم و نمی‌دانیم کجا هستند و فقط وجودشان را حس میکنیم، بچه‌های من، من حس میکنم که بابا هست، بابا همین نزدیکها است، وجودش را احساس میکنم با حس ششم یا هفتم یا دهم نمیدانم ولی او هست، وجود بقیه را هم حس میکنم حتی گاهی میفهمم آنها امروز خوشحالند یا ناراحت، حس میکنم که امروز بابا حوصله‌اش خیلی سر رفته و حس میکنم که با خودشان میگویند چرا هیچ خبری نمیشود و از جایی خبری دریافت نمیکنند بعضی وقتها احساس میکنم که نوبت منم رسیده و چرا که نرسد؟ فقط در صورتی خواهد رسید که مشیت او ایندفعه هم سرنوشت را نوع دیگری تعیین کند، احساسم بچه‌های من تسلیم کامل و تقویض صرف است، فقط یک چیز مطرح است انجام کارهایی که باید بکنم، بچه‌های من نمیخواهم بیش از این بنویسم فقط بدانید که هیچ چیز کم نداریم، هیچ غمی نیست، هیچ مشکلی اصلاً وجود ندارد راضی، خوب، آرام، خوشبخت، پر از انرژی و شاکر و هر چه اتفاق افتاد از آن بهتر چیزی نخواهد بود، مطمئنم که بابای شما هم همین احساس را دارد، خیلی‌ها امروز این احساس را دارند آرزو میکردم شماها هم لذت ما را درک کنید. بچه‌های من با قلوب پاکتان دعا کنید که آنچه را که با فضل داده است با عدلش از ما نگیرد. مبدا مبدا فکر کنید که آنچه بر ما گذشته و یا خواهد گذشت، که علتش و شدتش را حس میکنیم، شدتی بوده یا فشاری، نه، درست برعکس است همه فشارها را از روی ما برداشته‌اند و ما را آنقدر سبک کرده که میتوانیم پرواز کنیم و اکنون آماده صدها بار بیشترش هستیم فقط باز هم دعا کنید که لیاقتش را داشته باشیم، دوستان دارم، آرزوی دیدارتان که الان دست نیافتنی است هر هنگام که بیادتان هستم تمام وجودم را می‌لرزاند. هر شب و هر صبح برایتان دعاهای مخصوص میخوانم و این خودخواهی تنها خودخواهی من است. قربان همه‌تان میروم، فرشید عزیز و نیمای ندیده کوچولو و کیهان خوبم با گل و سنبل و وحید و بیانم را قربان میروم. باز هم قربان همه‌تان - مادر

"ژینوس محمودی" این مادر شجاع که بفرزندانش درس شجاعت و استواری در ایمان و اعتقاد میدهد از زنان دانشمند میهن ما بود که در رشته علوم فضایی و جوی و فیزیک دارای دکترای بود و همچنین عضو مؤثر سازمان زنان ایران و رئیس پیشین اداره امور فضائی ایران قبل از فاجعه که در روز ۲۷ دسامبر ۱۹۸۱ همراه با هفت تن دیگر از دانشمندان ایرانی به اتهام پیروی از بهائیت، جان ارزشمندشان گرفته شد و نفرین همه انسانها را نثار خونخواران تاریخ کرد.

[متن بالا رونویسی از اصل سند است. اگر به نکته‌ای برخورد کردید که دقیق رونویسی نشده است لطفاً به نشانی ایمیل در صفحه تماس با ما بفرستید]